



جامعه‌شناسی هنر

**شاپور بهیان**؛ غالباً باور بر این است که آفرینش هنری یکی از فردی ترین کتشف‌های انسانی است و هنر پدیده‌ای است کاملاً مستقل که نمی‌توان در آن نشانی از وابستگی به عوامل مادی دید. از این لحاظ هنر حوزه‌ای است کاملاً روحانی و معنوی. هنرمند فردی است الهام یافته که نیروهای غیردنیوی منشاء کشف و شهود او هستند. البته به مورد تأثیر اجتماعی هنر تردیدی وجود نداشت؛ افلاتون یکی از نخستین کسانی باشد که به این تأثیر توجه می‌کند و شاعران را به این دلیل از آزمایش‌هنر خود طرد می‌کند که آنها را خطری برای شهر زمینی خود تلقی می‌کرد. چند قرن بعد از او، بزرگان کلیسا نیز جاذبه‌های فریبنده هنر را که تحقق یافتن شهر خدا را به تأخیر می‌اندازد یا مانع آن می‌شود، محکوم می‌کنند. اما این مسئله که آیا هنر خود متقابلاً یک فرآوردهٔ جمعی انسانی نیست و سرنوشت آن وابسته به سرنوشت جماع انسانی نیست تا یکی دو قرن اخیر کمتر مطرح یا به آن توجه شد. در واقع در قرن هجدهم بود که این پرسش دوم مطرح شد و سرانجام این جنبهٔ زیباشناسی جامعه‌شناختی ظاهر گردید. به گفتهٔ ژرژ باسید در این دوره البته «هنر جامعه‌شناسی یا جغرافیای آب و هوا یکی دانسته می‌شود و هنگامی که از تأثیر محیط سخن می‌گویند، بیش از هر چیز دیگر منظورشان محیط طبیعی است.» (باستید، ص ۳۴) این نظر ژ. ب. دوپوس (B.J. Dubos) است که بسپاری او را پاندر زیباشناسی جامعه‌شناختی می‌دانند. این نظریه در سراسر قرن هجدهم متداول بود تا سرانجام در آثار مادام دو اشتال (Nm de steel) به بار می‌نشند. تفاوت میان شعر شمال و جنوب، در نهایت امر ناشی از تضاد بودن آسمان آریزود و آندهور آری شمال یا آسمان روشن و آفتابی جنوب دانسته می‌شود. (همان، ص ۳۵)اما مادام دو اشتال در همین جا توقف نمی‌شود. وقتی او سخن از پیوند نهادهای سیاسی و مذهبی هر دوره با ادبیات آن دوره می‌کند، در واقع دارد از حوزه جغرافیای بیرون می‌رود و وارد عرصه جامعه‌شناسی می‌شود. شاید یکی از دلایل عدم موفقیت او در تبیین این رابطه این باشد که او نگاهی ارزشی به موضوع داشت و می‌کوشید سبک‌هایی را بیابد که مناسب ملت فرانسه بعد از انقلاب باشند، اما از آنکه نباید غافل بود که در این دوره جامعه‌شناسی هنوز به معنای درست کلمه شکل نگرفته بود. دانش جامعه‌شناسی با آموزه‌های آگوست کنت است که زاده می‌شود. آگوست کنت سه مرحله در پیشرفت جماع، ارائه برمی‌شود: مرحله لاهوتی، مرحله مابعدالطبیعی، مرحله ابثاتی. مشخصه مرحله لاهوتی برتری تخیل بر خرد است. اما به گمان کنت معنی این حرف این نیست که هنر- که خیال‌آمیزترین پدیده انسانی است- در این دوره از پایگاه اجتماعی بالایی برخوردار است. اسطوره در این دوره موضوع پرسش است و تا زمانی که چنان است نمی‌تواند منشاء الهام هنرمند باشد. تنها زمانی این امکان فراهم می‌آید که دیگر موضوع پرسش نباشد. یعنی زمانی برسد که خیال آدمی از موضوع موضوع تفنن‌های فکری خود کنده‌گردد. پس هنر فقط وقتی می‌توانسته است در مرحله لاهوتی زاده شود که این مرحله آغاز به فرور یختن کرده باشد. هنر در دوره مابعدالطبیعی، به معنی آن که می‌خواهد قوامی پیدا کند، با انقلاب و نهضت و اصلاح بینی مواجه می‌شود. در نتیجه برای حفظ آن بازگشتی صورت می‌گیرد به سوی پیش از مسیحیت، «ابراگشتی تناقض‌آمیز». رنسانس و کلاسیسیسم شکل می‌گیرد. این سیر فکریی در قرن هجدهم هم ادامه پیدا می‌کند. رمانتیسیسم به وجود می‌آید که هدف واقعی انسان را که همان مجذوب‌کردن و بهترکردن بشریت است و می‌نهد. هنر تنها در دوره ابثاتی است که به معنای واقعی خود دست پیدا می‌کند و به خدمت آموزش انسان و تزکیه احساسات نوع‌دوستی بشر درمی‌آید. کنت به این ترتیب اگر چه به پیوند شرایط زندگی هر دوره‌ای با هستی هنر اذعان دارد، اما به دلیل رویکرد ارزش‌مدارانه‌اش را نیز از آن خود کند. برای پیدایش این رویکرد ما باید تا انتشار آثار مارکس منتظر بمانیم. اگر چه نظریه‌های او عاری از اظهارات ارزش‌داورانه نیست، اما با همین آثار است که جامعه‌شناسی هنر شکل می‌گیرد و تقریباً کلیه آثار که از این پس در این حوزه نوشته می‌شوند، گفت‌وگوهای اندکی در پاسخ به دیدگاه‌های مارکس و مارکسیسم درخصوص هنر.

ماور این دیدگاه‌ها هر - با عنوان دیدگاه‌های کلاسیک - به مرور بررسی خواهیم کرد و سپس به بررسی آرا و عقاید معاصران در این زمینه خواهیم پرداخت.
**فنگتو و نستیت برای کتاب**
**شوق** : موسسه بین‌المللی **خبرچین**

در این نشست که روز دوشنبه ۲۲ خردادماه در محل موسسه برگزار می‌شود، کتاب «فنگتو در جهان واقعی» اثر علی پایا مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد. این موسسه در نظر دارد طی سلسله نشست هایی به بررسی و معرفی آثار منتشر شده در حوزه گفت‌وگویی تمدن‌ها بپردازد.

**مقام فلسفی**
**شوق** : خانه حکمت و پرسش سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران با همکاری علمی بنیاد دکتر فردید نشست تخصصی فصل جاری خود را تحت عنوان مقام

پرسش فلسفی در وضع کنونی عالم، در روز دوشنبه ۲۲/۳/۸۵ ساعت ۱۸/۳۰ تا ۲۰/۳۰ برگزار می‌کند. در این نشست رضا داوری، غلامرضا اعوانی، شهرام پناز وکی و غلامحسین ابراهیمی بنیادنی سخنرانی می‌کنند. علاقه‌مندان می‌توانند به نشانی خیابان انقلاب، خیابان برادران شهید مظفر، بن بست مهران، پلاک ۴۶ مراجعه کرده و با تلفن‌های ۳۱-۶۶۸۹۶۲۷ تماس بگیرند.

### مقام فلسفی

**شوق** : خانه حکمت و پرسش سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران با همکاری علمی بنیاد دکتر فردید نشست تخصصی فصل جاری خود را تحت عنوان مقام پرسش فلسفی در وضع کنونی عالم، در روز دوشنبه ۲۲/۳/۸۵ ساعت ۱۸/۳۰ تا ۲۰/۳۰ برگزار می‌کند. در این نشست رضا داوری، غلامرضا اعوانی، شهرام پناز وکی و غلامحسین ابراهیمی بنیادنی سخنرانی می‌کنند. علاقه‌مندان می‌توانند به نشانی خیابان انقلاب، خیابان برادران شهید مظفر، بن بست مهران، پلاک ۴۶ مراجعه کرده و با تلفن‌های ۳۱-۶۶۸۹۶۲۷ تماس بگیرند.

### تصور اسلام

انجمن جهانی جوانان اسلام قصد دارد به منظور معرفی اسلام کاروانی تبلیغاتی را در طول زمان انجام بازی‌های جام جهانی فوتبال آلمان راه‌اندازی کند. به گزارش ایکتا به مرکز این انجمن در قاهره گفت: «دکتر حمدی موسی» مدیرکل برلین با شعار «معرفی اسلام» در طول رقابت‌های جام جهانی ۱۹۹۴ خردادماه مطابق با نهم روزن آغاز می‌شود و ۱۸ مردادماه نهم روزه به پایان می‌رسد. این فعالیت تبلیغاتی خود را آغاز می‌کند. وی دربارهٔ برنامه‌های این حرکت تبلیغاتی خاطرنشان ساخت: حدود یک میلیون تا یک میلیون و نیم کاست معرف‌ی اسلام به دو زبان آلمانی و انگلیسی چاپ شده است که هیات مساجد مسکولیت توزیع آن را به همراه ماکت‌هایی به عهده‌ها داشت.

گروه اندیشه : یوهانس پتر دوبروین چهاردهمین کسی است که از سوی بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار مورد تقدیر قرار می‌گیرد. واقف در یادداشتی درباره این جوایز نوشته است: «جوایزی که در این موقوفات تعیین شده مانند سایر امور آن پیرامون هدف آن است، تکمیل وحدت ملی به وسیله زبان فارسی، یعنی کتب و رسالات و مقالات و اشعاری که در پیرامون این هدف نوشته شود، خواه به زبان فارسی، خواه به زبان‌های دیگر، خواه به وسیله ایرانیان یا ملل دیگر، خواه در خود ایران، خواه در خارج می‌تواند نامزد دریافت جایزه گردد. برای این کار آیین نامه‌ای باید تهیه شود که اجماًلاً اصول آن را یادداشت می‌کنم.»

دوبروین که تا به حال رسالات، مقالات و کتاب‌های متعددی درباره فرهنگ و زبان ایران نوشته و استاد راهنمای بسیاری از ایران‌شناسان بوده است در دهم خرداد سال ۱۳۸۵ نامزد دریافت جایزه شد. آغاز اهدای این جوایز سال ۱۳۶۸ است و نخستین کسی که از سوی این بنیاد مستحق دریافت جایزه شناخته شد، دکتر نذیر احمد دانشمند هندی بود. پس از او به ترتیب در سال‌های مختلف و به شکلی نامنظم این جوایز به ادیبان و دانشمندان مختلف اهدا شد که روند آن بدین شرح است: غلامحسین یوسفی(۱۳۶۹)، امین عبدالمجید بدوی (۱۳۶۹)، سید محمود دبیر سیاقی (۱۳۷۰)، ظهورالدین احمد (۱۳۷۰)، جان هون نین (۱۳۷۵)، کمال‌الدین عینی (۱۳۷۷)، منوچهر ستوده (۱۳۷۹)، کیلوفورد ادموند باسورث (۱۳۸۰)، عبدالحسین زرین‌کوب (۱۳۸۲)، فریدوند مشبیری (۱۳۸۲)، تسونوئوکورو یواناگی (۱۳۸۲)، ریچارد فرای (۱۳۸۳) هانس دوبروین (۱۳۸۵).

دوبروین سفرهای متعددی به نقاط مختلف ایران داشته و آثار مهمی را از خود به جای گذاشته است. او در آستانه هفتاد و پنج سالگی در ایران حاضر شد تا فرش دستبافی را که محمد زمانی یافته‌شده شهر فرش نام او را به آن یافته بود به عنوان جایزه بنیاد موقوفات دکتر افشار دریافت کند. دوبروین اثری به زبان فارسی نوشته و تقریباً تمام آثار او به زبان‌های خارجی است. همه آنها بیرون از ایران منتشر شده‌اند. یوهانس توماس پتیر اسلام‌شناسی به تحصیل مشغول شد و پس از انجام این امور به فراگیری زبان فارسی و ترکی پرداخت. دوبروین از سال ۱۹۴۴ تا ۱۹۹۵ در ابتدا به‌عنوان استادیار و سپس به‌عنوان استاد ممتاز کرسی دار در بخش ایران‌شناسی دانشگاه لایدن فعالیت‌های خود را در زمینه فرهنگ و زبان فارسی ادامه داد. ماحصل فعالیت او در دانشگاه لایدن و بخش خاورمیانه موزه دولتی قوم‌شناسی، کتاب‌ها و رساله‌های متعددی است که برخی از آنها به زبان فارسی ترجمه شده است. جدا از این آثار دوبروین در پروژه‌های ایران‌شناسی مختلفی همکاری داشته که یکی از آنها پروژه «تاریخ ادبیات ایران» از یان ریپکا است. دوبروین چندین مقالات نوشته و دانشنامه اسلام، ایرانیکا و بریتانیکا موجود است. «حکیم اقلیم عشق : تأثیر متقابل دین و ادبیات در زندگی و عصر حکیم سنایی غزنوی» که به سال ۱۳۷۸ با ترجمه محمد علوی مقدم و محمدجواد مهدوی از سوی انتشارات آستان قدس رضوی منتشر شد یکی از مهمترین و مشهورترین آثار

## حکمت شادانان

## سعدی هلندی و فرش ایرانی

### گزارشی از مراسم اهدای چهاردهمین جایزه ادبی و تاریخی بنیاد دکتر محمود افشار

او درباره ادبیات ایران است. «شعر عرفانی فارسی» یکی دیگر از آثار اوست که در سال ۱۳۷۵ با ترجمه مجدالدین کیوانی از سوی نشر مرکز منتشر شد. دوبروین در این کتاب به شعر عرفانی فارسی و چهار موضوع «لطایف عرفانی»، «موعظ و زهدیات»، «شعر عاشقانه» و «قصه‌ها و روایات» پرداخته است. این مجموعه مقدمه‌ای مفصل در معرفی قالب‌ها، شاعران و دوره‌های شعر فارسی است. مراسم ۱۰ خرداد در باغ تئاتر لاله فولادوند، داریوش شایگان، احسان نراقی و بعضی دیگر از اهالی فرهنگ در این مراسم حضور داشتند.

### نقش صدا و سیما در زیبایی بینی

ظاهر این سخن بسیار حکیمانه است. بالاخره کیست که نغوذالله در برابر اراده خداوند قلم کند. اما آیا آقای تهیه‌کننده به عمرش آرایشگاه زنهفته است؟

با این حساب ناخن‌های دست و پای کارگردان باید امروز به اندازه بیل بالابرنده یکی لیودر ساخت شرکت هیکو شده باشد.

بگذریم از اینکه آقایان در این صورت لباس پوشیدن انسان‌ها را چگونه توجیه می‌کنند. می‌توان درباره خطرات عمل بینی توصیه‌های بسیار کرد. می‌توان با رشد بی‌رویه توجیه به زیبایی جسمانی اعتراض داشت. می‌توان از پزشکان و متخصصان تاریخ ادبیات فارسی» همکاری می‌کند و دانشجویان بسیاری در مقطع تکترا توسط او هدایت شده و پایان نامه‌های بسیاری در نظرات او نوشته شده و مورد استقبال ایران‌شناسان خارج از کشور قرار گرفته است. البته ناگفته نماند که این اولین بار نیست که هانس دوبروین مورد تقدیر و تحسین قرار می‌گیرد.

ظاهر این سخن بسیار حکیمانه است. بالاخره کیست که نغوذالله در برابر اراده خداوند قلم کند. اما آیا آقای تهیه‌کننده به عمرش آرایشگاه زنهفته است؟
با این حساب ناخن‌های دست و پای کارگردان باید امروز به اندازه بیل بالابرنده یکی لیودر ساخت شرکت هیکو شده باشد.
بگذریم از اینکه آقایان در این صورت لباس پوشیدن انسان‌ها را چگونه توجیه می‌کنند. می‌توان درباره خطرات عمل بینی توصیه‌های بسیار کرد. می‌توان با رشد بی‌رویه توجیه به زیبایی جسمانی اعتراض داشت. می‌توان از پزشکان و متخصصان تاریخ ادبیات فارسی» همکاری می‌کند و دانشجویان بسیاری در مقطع تکترا توسط او هدایت شده و پایان نامه‌های بسیاری در نظرات او نوشته شده و مورد استقبال ایران‌شناسان خارج از کشور قرار گرفته است. البته ناگفته نماند که این اولین بار نیست که هانس دوبروین مورد تقدیر و تحسین قرار می‌گیرد.

hamidreza-abak@ Yahoo.com

### این بازی فراگیر، آن بازی فراموشی شده

یکی . کیست که نداند همه ما از روشنفکر و عامی، روزنامه‌نگار و دانشجو، معلم و دانش‌آموز، بقال و نانوا، کفاش و بنا، بزاز و رزاز و هفتصد تا دوتایی دیگر، ساعتی را به تماشای فوتبال می‌گذرانیم و شب که به خانه می‌رسیم بیچ تلویزیون را (که دیگر نمی‌پچانیم) فشار می‌دهیم و می‌نشینیم پای همین سریال‌های آبدوخ خیاری که با ضرب و زور هیچ دنگکی آدم را با خود نمی‌کشد و از فرط آب بستن چیزی نمانده خانه‌های بینندگان عزیز نم بردارد، که اگر نیم‌ساعت از آن بگذرد و تو حواست پرت شود باز قصه همان جاست که بود و هیچ از دست ن داده‌ای و انگار نه انگار که چیزی جلو رفته و ماجرای پیش آمده و . . . فوتبال که دیگری جای خود دارد و هزار هزار بار شرف به آن سریال‌های آبی که اگر نیم‌ساعت آن هم چینی‌جویی می‌گیرند. . . . [در این مقال نمی‌گنجد هم قس علی‌هذا. . . .] پس مجبورند که کتاب را بخزند تا غور در کهکشان فلسفه را بیاموزند. باور کنید که آغازیدن به غوریدن در جهان فلسفه بسی دشوارتر از بسی فلسفیدن آموختن است! ناگفته نماند که تمام سعی نگارنده در جمله قبل بر این است که یک جمله نظیر جمله تبلیغاتی نیچه از خود ساطع کند اما کار هر بز نیست خرمن کوفتن. - به هر حال اگر شما هم می‌توانید که برای کتاب‌های خود چنین جملات پرفروشی بیاروید حتماً برای کتاب خود یک بیلبورد اوایل اتوبان تهران - کرج نصب کنید تا هیچ متفکر و

یکی . کیست که نداند همه ما از روشنفکر و عامی، روزنامه‌نگار و دانشجو، معلم و دانش‌آموز، بقال و نانوا، کفاش و بنا، بزاز و رزاز و هفتصد تا دوتایی دیگر، ساعتی را به تماشای فوتبال می‌گذرانیم و شب که به خانه می‌رسیم بیچ تلویزیون را (که دیگر نمی‌پچانیم) فشار می‌دهیم و می‌نشینیم پای همین سریال‌های آبدوخ خیاری که با ضرب و زور هیچ دنگکی آدم را با خود نمی‌کشد و از فرط آب بستن چیزی نمانده خانه‌های بینندگان عزیز نم بردارد، که اگر نیم‌ساعت از آن بگذرد و تو حواست پرت شود باز قصه همان جاست که بود و هیچ از دست ن داده‌ای و انگار نه انگار که چیزی جلو رفته و ماجرای پیش آمده و . . . فوتبال که دیگری جای خود دارد و هزار هزار بار شرف به آن سریال‌های آبی که اگر نیم‌ساعت آن هم چینی‌جویی می‌گیرند. . . . [در این مقال نمی‌گنجد هم قس علی‌هذا. . . .] اما فلسفه‌نخوانده‌ها از فلسفه‌خوانده‌ها می‌پرستند و باز هم چنین‌جویی می‌گیرند. . . . [در این مقال نمی‌گنجد هم قس علی‌هذا. . . .] پس مجبورند که کتاب را بخزند تا غور در کهکشان فلسفه را بیاموزند. باور کنید که آغازیدن به غوریدن در جهان فلسفه بسی دشوارتر از بسی فلسفیدن آموختن است! ناگفته نماند که تمام سعی نگارنده در جمله قبل بر این است که یک جمله نظیر جمله تبلیغاتی نیچه از خود ساطع کند اما کار هر بز نیست خرمن کوفتن. - به هر حال اگر شما هم می‌توانید که برای کتاب‌های خود چنین جملات پرفروشی بیاروید حتماً برای کتاب خود یک بیلبورد اوایل اتوبان تهران - کرج نصب کنید تا هیچ متفکر و

یکی . کیست که نداند همه ما از روشنفکر و عامی، روزنامه‌نگار و دانشجو، معلم و دانش‌آموز، بقال و نانوا، کفاش و بنا، بزاز و رزاز و هفتصد تا دوتایی دیگر، ساعتی را به تماشای فوتبال می‌گذرانیم و شب که به خانه می‌رسیم بیچ تلویزیون را (که دیگر نمی‌پچانیم) فشار می‌دهیم و می‌نشینیم پای همین سریال‌های آبدوخ خیاری که با ضرب و زور هیچ دنگکی آدم را با خود نمی‌کشد و از فرط آب بستن چیزی نمانده خانه‌های بینندگان عزیز نم بردارد، که اگر نیم‌ساعت از آن بگذرد و تو حواست پرت شود باز قصه همان جاست که بود و هیچ از دست ن داده‌ای و انگار نه انگار که چیزی جلو رفته و ماجرای پیش آمده و . . . فوتبال که دیگری جای خود دارد و هزار هزار بار شرف به آن سریال‌های آبی که اگر نیم‌ساعت آن هم چینی‌جویی می‌گیرند. . . . [در این مقال نمی‌گنجد هم قس علی‌هذا. . . .] اما فلسفه‌نخوانده‌ها از فلسفه‌خوانده‌ها می‌پرستند و باز هم چنین‌جویی می‌گیرند. . . . [در این مقال نمی‌گنجد هم قس علی‌هذا. . . .] پس مجبورند که کتاب را بخزند تا غور در کهکشان فلسفه را بیاموزند. باور کنید که آغازیدن به غوریدن در جهان فلسفه بسی دشوارتر از بسی فلسفیدن آموختن است! ناگفته نماند که تمام سعی نگارنده در جمله قبل بر این است که یک جمله نظیر جمله تبلیغاتی نیچه از خود ساطع کند اما کار هر بز نیست خرمن کوفتن. - به هر حال اگر شما هم می‌توانید که برای کتاب‌های خود چنین جملات پرفروشی بیاروید حتماً برای کتاب خود یک بیلبورد اوایل اتوبان تهران - کرج نصب کنید تا هیچ متفکر و

یکی . کیست که نداند همه ما از روشنفکر و عامی، روزنامه‌نگار و دانشجو، معلم و دانش‌آموز، بقال و نانوا، کفاش و بنا، بزاز و رزاز و هفتصد تا دوتایی دیگر، ساعتی را به تماشای فوتبال می‌گذرانیم و شب که به خانه می‌رسیم بیچ تلویزیون را (که دیگر نمی‌پچانیم) فشار می‌دهیم و می‌نشینیم پای همین سریال‌های آبدوخ خیاری که با ضرب و زور هیچ دنگکی آدم را با خود نمی‌کشد و از فرط آب بستن چیزی نمانده خانه‌های بینندگان عزیز نم بردارد، که اگر نیم‌ساعت از آن بگذرد و تو حواست پرت شود باز قصه همان جاست که بود و هیچ از دست ن داده‌ای و انگار نه انگار که چیزی جلو رفته و ماجرای پیش آمده و . . . فوتبال که دیگری جای خود دارد و هزار هزار بار شرف به آن سریال‌های آبی که اگر نیم‌ساعت آن هم چینی‌جویی می‌گیرند. . . . [در این مقال نمی‌گنجد هم قس علی‌هذا. . . .] اما فلسفه‌نخوانده‌ها از فلسفه‌خوانده‌ها می‌پرستند و باز هم چنین‌جویی می‌گیرند. . . . [در این مقال نمی‌گنجد هم قس علی‌هذا. . . .] پس مجبورند که کتاب را بخزند تا غور در کهکشان فلسفه را بیاموزند. باور کنید که آغازیدن به غوریدن در جهان فلسفه بسی دشوارتر از بسی فلسفیدن آموختن است! ناگفته نماند که تمام سعی نگارنده در جمله قبل بر این است که یک جمله نظیر جمله تبلیغاتی نیچه از خود ساطع کند اما کار هر بز نیست خرمن کوفتن. - به هر حال اگر شما هم می‌توانید که برای کتاب‌های خود چنین جملات پرفروشی بیاروید حتماً برای کتاب خود یک بیلبورد اوایل اتوبان تهران - کرج نصب کنید تا هیچ متفکر و

یکی . کیست که نداند همه ما از روشنفکر و عامی، روزنامه‌نگار و دانشجو، معلم و دانش‌آموز، بقال و نانوا، کفاش و بنا، بزاز و رزاز و هفتصد تا دوتایی دیگر، ساعتی را به تماشای فوتبال می‌گذرانیم و شب که به خانه می‌رسیم بیچ تلویزیون را (که دیگر نمی‌پچانیم) فشار می‌دهیم و می‌نشینیم پای همین سریال‌های آبدوخ خیاری که با ضرب و زور هیچ دنگکی آدم را با خود نمی‌کشد و از فرط آب بستن چیزی نمانده خانه‌های بینندگان عزیز نم بردارد، که اگر نیم‌ساعت از آن بگذرد و تو حواست پرت شود باز قصه همان جاست که بود و هیچ از دست ن داده‌ای و انگار نه انگار که چیزی جلو رفته و ماجرای پیش آمده و . . . فوتبال که دیگری جای خود دارد و هزار هزار بار شرف به آن سریال‌های آبی که اگر نیم‌ساعت آن هم چینی‌جویی می‌گیرند. . . . [در این مقال نمی‌گنجد هم قس علی‌هذا. . . .] اما فلسفه‌نخوانده‌ها از فلسفه‌خوانده‌ها می‌پرستند و باز هم چنین‌جویی می‌گیرند. . . . [در این مقال نمی‌گنجد هم قس علی‌هذا. . . .] پس مجبورند که کتاب را بخزند تا غور در کهکشان فلسفه را بیاموزند. باور کنید که آغازیدن به غوریدن در جهان فلسفه بسی دشوارتر از بسی فلسفیدن آموختن است! ناگفته نماند که تمام سعی نگارنده در جمله قبل بر این است که یک جمله نظیر جمله تبلیغاتی نیچه از خود ساطع کند اما کار هر بز نیست خرمن کوفتن. - به هر حال اگر شما هم می‌توانید که برای کتاب‌های خود چنین جملات پرفروشی بیاروید حتماً برای کتاب خود یک بیلبورد اوایل اتوبان تهران - کرج نصب کنید تا هیچ متفکر و

یکی . کیست که نداند همه ما از روشنفکر و عامی، روزنامه‌نگار و دانشجو، معلم و دانش‌آموز، بقال و نانوا، کفاش و بنا، بزاز و رزاز و هفتصد تا دوتایی دیگر، ساعتی را به تماشای فوتبال می‌گذرانیم و شب که به خانه می‌رسیم بیچ تلویزیون را (که دیگر نمی‌پچانیم) فشار می‌دهیم و می‌نشینیم پای همین سریال‌های آبدوخ خیاری که با ضرب و زور هیچ دنگکی آدم را با خود نمی‌کشد و از فرط آب بستن چیزی نمانده خانه‌های بینندگان عزیز نم بردارد، که اگر نیم‌ساعت از آن بگذرد و تو حواست پرت شود باز قصه همان جاست که بود و هیچ از دست ن داده‌ای و انگار نه انگار که چیزی جلو رفته و ماجرای پیش آمده و . . . فوتبال که دیگری جای خود دارد و هزار هزار بار شرف به آن سریال‌های آبی که اگر نیم‌ساعت آن هم چینی‌جویی می‌گیرند. . . . [در این مقال نمی‌گنجد هم قس علی‌هذا. . . .] اما فلسفه‌نخوانده‌ها از فلسفه‌خوانده‌ها می‌پرستند و باز هم چنین‌جویی می‌گیرند. . . . [در این مقال نمی‌گنجد هم قس علی‌هذا. . . .] پس مجبورند که کتاب را بخزند تا غور در کهکشان فلسفه را بیاموزند. باور کنید که آغازیدن به غوریدن در جهان فلسفه بسی دشوارتر از بسی فلسفیدن آموختن است! ناگفته نماند که تمام سعی نگارنده در جمله قبل بر این است که یک جمله نظیر جمله تبلیغاتی نیچه از خود ساطع کند اما کار هر بز نیست خرمن کوفتن. - به هر حال اگر شما هم می‌توانید که برای کتاب‌های خود چنین جملات پرفروشی بیاروید حتماً برای کتاب خود یک بیلبورد اوایل اتوبان تهران - کرج نصب کنید تا هیچ متفکر و

یکی . کیست که نداند همه ما از روشنفکر و عامی، روزنامه‌نگار و دانشجو، معلم و دانش‌آموز، بقال و نانوا، کفاش و بنا، بزاز و رزاز و هفتصد تا دوتایی دیگر، ساعتی را به تماشای فوتبال می‌گذرانیم و شب که به خانه می‌رسیم بیچ تلویزیون را (که دیگر نمی‌پچانیم) فشار می‌دهیم و می‌نشینیم پای همین سریال‌های آبدوخ خیاری که با ضرب و زور هیچ دنگکی آدم را با خود نمی‌کشد و از فرط آب بستن چیزی نمانده خانه‌های بینندگان عزیز نم بردارد، که اگر نیم‌ساعت از آن بگذرد و تو حواست پرت شود باز قصه همان جاست که بود و هیچ از دست ن داده‌ای و انگار نه انگار که چیزی جلو رفته و ماجرای پیش آمده و . . . فوتبال که دیگری جای خود دارد و هزار هزار بار شرف به آن سریال‌های آبی که اگر نیم‌ساعت آن هم چینی‌جویی می‌گیرند. . . . [در این مقال نمی‌گنجد هم قس علی‌هذا. . . .] اما فلسفه‌نخوانده‌ها از فلسفه‌خوانده‌ها می‌پرستند و باز هم چنین‌جویی می‌گیرند. . . . [در این مقال نمی‌گنجد هم قس علی‌هذا. . . .] پس مجبورند که کتاب را بخزند تا غور در کهکشان فلسفه را بیاموزند. باور کنید که آغازیدن به غوریدن در جهان فلسفه بسی دشوارتر از بسی فلسفیدن آموختن است! ناگفته نماند که تمام سعی نگارنده در جمله قبل بر این است که یک جمله نظیر جمله تبلیغاتی نیچه از خود ساطع کند اما کار هر بز نیست خرمن کوفتن. - به هر حال اگر شما هم می‌توانید که برای کتاب‌های خود چنین جملات پرفروشی بیاروید حتماً برای کتاب خود یک بیلبورد اوایل اتوبان تهران - کرج نصب کنید تا هیچ متفکر و

یکی . کیست که نداند همه ما از روشنفکر و عامی، روزنامه‌نگار و دانشجو، معلم و دانش‌آموز، بقال و نانوا، کفاش و بنا، بزاز و رزاز و هفتصد تا دوتایی دیگر، ساعتی را به تماشای فوتبال می‌گذرانیم و شب که به خانه می‌رسیم بیچ تلویزیون را (که دیگر نمی‌پچانیم) فشار می‌دهیم و می‌نشینیم پای همین سریال‌های آبدوخ خیاری که با ضرب و زور هیچ دنگکی آدم را با خود نمی‌کشد و از فرط آب بستن چیزی نمانده خانه‌های بینندگان عزیز نم بردارد، که اگر نیم‌ساعت از آن بگذرد و تو حواست پرت شود باز قصه همان جاست که بود و هیچ از دست ن داده‌ای و انگار نه انگار که چیزی جلو رفته و ماجرای پیش آمده و . . . فوتبال که دیگری جای خود دارد و هزار هزار بار شرف به آن سریال‌های آبی که اگر نیم‌ساعت آن هم چینی‌جویی می‌گیرند. . . . [در این مقال نمی‌گنجد هم قس علی‌هذا. . . .] اما فلسفه‌نخوانده‌ها از فلسفه‌خوانده‌ها می‌پرستند و باز هم چنین‌جویی می‌گیرند. . . . [در این مقال نمی‌گنجد هم قس علی‌هذا. . . .] پس مجبورند که کتاب را بخزند تا غور در کهکشان فلسفه را بیاموزند. باور کنید که آغازیدن به غوریدن در جهان فلسفه بسی دشوارتر از بسی فلسفیدن آموختن است! ناگفته نماند که تمام سعی نگارنده در جمله قبل بر این است که یک جمله نظیر جمله تبلیغاتی نیچه از خود ساطع کند اما کار هر بز نیست خرمن کوفتن. - به هر حال اگر شما هم می‌توانید که برای کتاب‌های خود چنین جملات پرفروشی بیاروید حتماً برای کتاب خود یک بیلبورد اوایل اتوبان تهران - کرج نصب کنید تا هیچ متفکر و

یکی . کیست که نداند همه ما از روشنفکر و عامی، روزنامه‌نگار و دانشجو، معلم و دانش‌آموز، بقال و نانوا، کفاش و بنا، بزاز و رزاز و هفتصد تا دوتایی دیگر، ساعتی را به تماشای فوتبال می‌گذرانیم و شب که به خانه می‌رسیم بیچ تلویزیون را (که دیگر نمی‌پچانیم) فشار می‌دهیم و می‌نشینیم پای همین سریال‌های آبدوخ خیاری که با ضرب و زور هیچ دنگکی آدم را با خود نمی‌کشد و از فرط آب بستن چیزی نمانده خانه‌های بینندگان عزیز نم بردارد، که اگر نیم‌ساعت از آن بگذرد و تو حواست پرت شود باز قصه همان جاست که بود و هیچ از دست ن داده‌ای و انگار نه انگار که چیزی جلو رفته و ماجرای پیش آمده و . . . فوتبال که دیگری جای خود دارد و هزار هزار بار شرف به آن سریال‌های آبی که اگر نیم‌ساعت آن هم چینی‌جویی می‌گیرند. . . . [در این مقال نمی‌گنجد هم قس علی‌هذا. . . .] اما فلسفه‌نخوانده‌ها از فلسفه‌خوانده‌ها می‌پرستند و باز هم چنین‌جویی می‌گیرند. . . . [در این مقال نمی‌گنجد هم قس علی‌هذا. . . .] پس مجبورند که کتاب را بخزند تا غور در کهکشان فلسفه را بیاموزند. باور کنید که آغازیدن به غوریدن در جهان فلسفه بسی دشوارتر از بسی فلسفیدن آموختن است! ناگفته نماند که تمام سعی نگارنده در جمله قبل بر این است که یک جمله نظیر جمله تبلیغاتی نیچه از خود ساطع کند اما کار هر بز نیست خرمن کوفتن. - به هر حال اگر شما هم می‌توانید که برای کتاب‌های خود چنین جملات پرفروشی بیاروید حتماً برای کتاب خود یک بیلبورد اوایل اتوبان تهران - کرج نصب کنید تا هیچ متفکر و

اولین سخنران مراسم سیدمصطفی محقق‌داماد از متولیان بنیاد دکتر افشار بود که با ذکر تاریخچه‌ای از این بنیاد مراسم را آغاز کرد. پس از او نصرالله پورجوادی، علی‌اشرف صادقی، صادق سجادی و مریم حسینی با موضوعات مختلفی درباره هانس دوبروین سخنرانی کردند. نصرالله پورجوادی ضمن تقدیر از تلاش این محقق به فعالیت‌ها و خدمات دوبروین در زمینه شعر فارسی پرداخت و درباره ترجمه و تحقیق او درباره اشعار سنایی سخن گفت. علی‌اشرف صادقی سخنران دیگر این جلسه به پیوند زبان فارسی با مفاهیم عرفانی پرداخت و در خلال این سخنرانی اشاراتی‌هم به آثار دوبروین داشت. مریم حسینی زبان دوبروین در دو بخش فارسی و انگلیسی آغاز شد و در آن درباره علاقه‌اش به سنایی و دشواری‌های تحقیق درباره سنایی و نسخه‌های خطی آثار سخن گفت.

«سعدی در هلند» عنوان سخنرانی دوبروین به زبان انگلیسی بود. در این بخش او از نخستین دست‌نوشته‌های فارسی که به کتابخانه دانشگاه لایدن راه یافت سخن گفت. گلستان سعدی نخستین دست‌نوشته‌ای بوده‌که کتابخانه این دانشگاه رسید. او گفت: «این نسخه از گلستان سعدی در اصل به ژوزف اسکالیگر پژوهشگر معروف فرانسوی که در سال ۱۹۵۰ به عنوان استاد افتخاری به لایدن دعوت شد و تا زمان مرگش در آن هلند ماند، نسبت داده شد. ولی تا آنجا که اطلاع دارم، اسکالیگر تنها یک نسخه خوانده داشته و آن واژه‌نامه فارسی به ترکی است که در یکی از نام‌هایش از آن نام برده است.» دوبروین در ادامه این سخنرانی به تشریح و توصیف دقیق این نسخه مهم در دانشگاه لیدن پرداخت و درباره همه کسانی که درباره این نسخه تحقیق کرده‌اند سخن گفت که در واقع گزارشی از فعالیت‌های ایران‌شناسی در هلند بود.

اما آنچه که نام دوبروین را در ماه‌های اخیر بر سر زبان‌ها انداخت ترجمه او از شاهزه احتجاب و چند داستان کوتاه دیگر از هوشنگ گلشیری است که هنوز منتشر نشده است. این ترجمه در ماه سپتامبر ۲۰۰۶ توسط انتشارات بلاق استرمدار منتشر خواهد شد و در کنار کارهای دیگر دوبروین درباره ادبیات ایران قرار خواهد گرفت. دوبروین در ۱۲ جولای سال ۱۹۳۱ در شهر تاریخی لایدن متولد شده است. او استاد سابق دانشگاه لایدن است. از آنجا که در

سال ۱۹۹۵ از این سمت بازنشسته شد و به تحقیق و پژوهش پرداخت. بازنشستگی او تأثیری در ادامه فعالیت‌های او نداشته است. او در حال حاضر در تنظیم مجموعه «تاریخ ادبیات فارسی» همکاری می‌کند و دانشجویان بسیاری در مقطع تکترا توسط او هدایت شده و پایان نامه‌های بسیاری در نظرات او نوشته شده و مورد استقبال ایران‌شناسان خارج از کشور قرار گرفته است. البته ناگفته نماند که این اولین بار نیست که هانس دوبروین مورد تقدیر و تحسین قرار می‌گیرد.

#### همه و همه با هیچکس

**علی قلی پور**؛ جمله تبلیغاتی «کتابی برای همه کس و هیچ‌کس» را که نیچه برای والاترین اندیشه‌های خود برگزید، احتمالاً به وضع کساد تفکر اشرف شگرفی داشت که به سرودن شعار تبلیغاتی متوسل شد. از آنجا که با این جمله متسنگ هر فلسفه‌خوانده و هر فلسفه‌نخوانده‌ای می‌خواهد که از خود پرسد «چطور می‌توان کتابی نوشت برای همه‌کس و هیچ‌کس؟» فلسفه‌خوانده‌ها می‌گویند. . . . [در این مقال نمی‌گنجد و قس علی‌هذا. . . .] اما فلسفه‌نخوانده‌ها از فلسفه‌خوانده‌ها می‌پرستند و باز هم چنین‌جویی می‌گیرند. . . . [در این مقال نمی‌گنجد هم قس علی‌هذا. . . .] پس مجبورند که کتاب را بخزند تا غور در کهکشان فلسفه را بیاموزند. باور کنید که آغازیدن به غوریدن در جهان فلسفه بسی دشوارتر از بسی فلسفیدن آموختن است! ناگفته نماند که تمام سعی نگارنده در جمله قبل بر این است که یک جمله نظیر جمله تبلیغاتی نیچه از خود ساطع کند اما کار هر بز نیست خرمن کوفتن. - به هر حال اگر شما هم می‌توانید که برای کتاب‌های خود چنین جملات پرفروشی بیاروید حتماً برای کتاب خود یک بیلبورد اوایل اتوبان تهران - کرج نصب کنید تا هیچ متفکر و

### همه و همه با هیچکس

**علی قلی پور**؛ جمله تبلیغاتی «کتابی برای همه کس و هیچ‌کس» را که نیچه برای والاترین اندیشه‌های خود برگزید، احتمالاً به وضع کساد تفکر اشرف شگرفی داشت که به سرودن شعار تبلیغاتی متوسل شد. از آنجا که با این جمله متسنگ هر فلسفه‌خوانده و هر فلسفه‌نخوانده‌ای می‌خواهد که از خود پرسد «چطور می‌توان کتابی نوشت برای همه‌کس و هیچ‌کس؟» فلسفه‌خوانده‌ها می‌گویند. . . . [در این مقال نمی‌گنجد هم قس علی‌هذا. . . .] اما فلسفه‌نخوانده‌ها از فلسفه‌خوانده‌ها می‌پرستند و باز هم چنین‌جویی می‌گیرند. . . . [در این مقال نمی‌گنجد هم قس علی‌هذا. . . .] پس مجبورند که کتاب را بخزند تا غور در کهکشان فلسفه را بیاموزند. باور کنید که آغازیدن به غوریدن در جهان فلسفه بسی دشوارتر از بسی فلسفیدن آموختن است! ناگفته نماند که تمام سعی نگارنده در جمله قبل بر این است که یک جمله نظیر جمله تبلیغاتی نیچه از خود ساطع کند اما کار هر بز نیست خرمن کوفتن. - به هر حال اگر شما هم می‌توانید که برای کتاب‌های خود چنین جملات پرفروشی بیاروید حتماً برای کتاب خود یک بیلبورد اوایل اتوبان تهران - کرج نصب کنید تا هیچ متفکر و

### جامعه مصرف‌گرای توسعه‌نا یافته

**عباس کاظمی**؛ اینکه جامعه ایرانی در زمانه ما از چه سنخی است ذهن بسیاری از متفکران را به خود مشغول داشته است.

قدر مسلم ایران جامعه‌ای پیوندی است که فرهنگ اسلامی (و رسوم عربی-ترکی) را با بخش‌هایی از عناصر سنت شرقی-هندی در دل سنت بزرگ ایرانی تلفیق کرده است و بیش از یک سده است که عناصر مدرن غربی در اشکال مختلف در شکل دهی جامعه جدید ایرانی سهمیه بوده است. اما گسترش روحیه مصرف‌گرایی و ورود کالا‌های مصرفی مدرن در جامعه ایرانی موجب شده است که برخی ایران را به اشتباه نمونه‌ای از جامعه مست‌مدرن بنامند. به‌جامعه مدرن هم از توجه تولید و هم از وجه مصرف می‌توان نگاه کرد و اگر تولید و مصرف را دو مشخصه مهم جامعه مدرن لحاظ کنیم، می‌توانیم تأیید کنیم که جامعه ایران از بعد مصرف‌بیش از مولفه تولیدی جامعه مدرن‌سنخیت دارد. فضاهای مصرفی و مدرن متعددی در ایران پدید آمده‌اند و مورد استفاده مردم قرار گرفته‌اند. این فضاهای مصرفی مدرن (چون فروشگاه‌های بزرگ، پارک‌ها، شهربازی‌ها و رستوران‌های بزرگ) اجازه جوانه زدن بذر تجربه‌های مدرن را داده است. در عین حال باید متذکر شویم که به موازات مراکز مصرفی مدرن مراکز تولیدی در جامعه ما توسعه نیافته‌اند. به همین دلیل پیش از آنکه با مفهوم تولید نیروی چون کارگر درگیر شویم با مفهوم مصرف و نیروی چون کارمند آشنا شدیم. اگر فرض کنیم که جامعه کارگری که غرب قرن نوزده و ابتدای قرن بیست آن را تجربه کرد به وجود آورنده نظام تولیدی مدرن باشد، خواهیم دید که چنین جامعه‌ای با وسعت لازم در ایران شکل گرفت و می‌تواند به مفهوم تولید جای آن ما توسعه‌یابان‌انگاری و نظام اداری را تجربه کردیم که جامعه کارمندی را با خصوصیات منحصر به فردی که برآمده از نوعی دیوان‌سالاری مکتبی بر نفت است، پدید آورده است. غلبه امر خدماتی و

جلوه‌های مختلفی از خود را به نمایش می‌گذارد.

### ما و ساختمان‌ها

**محمد قاندر**؛ امروز ما دشوار توانیم در بنایی ایرانی که زمانی در گذشته دور

مجمل بود راحت زندگی کنیم. سبک زندگی دستخوش تغییرهای اساسی شده و بناها را منظمآ تعمیر و بازسازی نکرده‌اند تا قابل استفاده بماند. یک صبح بیدار شده‌ایم و دیده‌ایم از بنایی می‌توان فقط برای عکس گرفتن استفاده کرد.

هوایی خشک هم که رس ساختمان را می‌کشد در این فرسودگی و از کارافتادگی تأثیر دارد. در هواهای معتدل‌تر، استفاده از بناهای چندصدساله آستان‌تر از ساختمان‌های چندده‌ساله مناطق کویری است. با این همه، به برکت مصالح و معماری نوین شایده بتوان به ساختمان‌ها عمر مفید درازتری بخشید. اساس ساختمان پارچا می‌ماند می‌توان آنها را نیازها و شیوه کار و زندگی در هر عصر تطبیق داد. متغیرهایی البته بیرون از اراده آدمیان عمل می‌کنند.

دهه ۱۳۵۰ که تب هرم‌سازی دنیا را گرفته بود، قرار شد تهران هم صاحب هرم شود. سی سال بعد که هرمی در بهارستان ساخته شد به قامت ناس